

اُلگوی «نقد و تحلیل فرآیندمبنا» در آثار مسکونی معاصر بر پایه مؤلفه‌های: «مأموریت بنا، اهداف، ضروریات عملکردی و کانسپت‌ها»^۱

عرفان خصم‌افکن نظام^{*}، فرشته نویدی مجد^{**}، بابک فدوی انبیائی^{***}

تاریخ دریافت مقاله: ۹۷/۱۲/۹

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۸/۱/۲۶

چکیده

شكل‌گیری شخصیت یک طراح و فرآیند مهارت‌های طراحی وابسته به مؤلفه‌ها و متغیرهای ویژه‌ای از جمله: مشاهده و جستار نمونه‌ها، نحوه‌ی تحلیل و برخورد با نمونه‌ها، درگیری مستقیم و آگشته شدن با دغدغه مسئله طراحی و ... می‌باشد. نقد معماری و تحلیل آثار گذشتگان و نمونه‌های موفق و ناموفق، همواره نقش کلیدی در آموزش معماری بر عهده می‌گیرند. این که چگونه می‌توان از اطلاعات عددی و مفهومی، به اطلاعات بصری دست یافت یا به عبارت دقیق‌تر، «راز اثر هنری» را کشف کرد؛ تحلیل و نقد داشتنیان «پروژه‌های موجود از لحاظ نوع برخورد طراح با طرح و مسائل طراحی (از قبیل: عملکرد، سازماندهی، زمینه و ...)» و «نحوه‌ی برقراری رابطه بین پروژه و بافت شهری، اجتماعی و فرهنگی شهر» می‌باشد، این که طراح چه «اهداف، ضروریات و کانسپت‌هایی» را برای طرح خود برگزیده است و چگونه آنها در پروژه نهایی به نمایش گذاشته است.

واژگان کلیدی

الگو، تحلیل فرآیند مبنا، مسکن، برنامه‌دهی دورک.

erfannezam@yahoo.com

* دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی معماری، دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر

** عضو هیئت علمی گروه معماری، دانشکده فنی مهندسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر

*** عضو هیئت علمی گروه معماری، دانشکده فنی مهندسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر

۱- این مقاله برگرفته از مباحث رساله کارشناسی ارشد با عنوان «طراحی و بازآفرینی نظام معماری مسکن ایرانی» بخش تجزیه‌های نمونه‌های موردی) می‌باشد که به راهنمایی سرکارخانم دکتر نویدی مجد و مشاوره جناب آقای دکتر فدوی انبیائی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر انجام شده است.

مقدمه

پرسش از چگونگی آفرینش اثر معماری ما را به ورطه‌ی گسترده‌ای از معانی، مفاهیم و راهبردهایی می‌کشاند که دستیابی به پاسخی مناسب را نیازمند نگاهی ژرف به بنیان‌های هر یک از آنها بر می‌شمارد. این نوع نگاه‌ها می‌تواند ترسیم‌گر سویه‌های مختلفی باشند که با بهره‌گیری از آنها، آدمی به موضع و حایگاه خوبی واقع می‌گردد(اصاری و عظمی، ۱۳۸۴: ۴۵). از طرفی، تمایل به حفظ هویت، سنت‌ها و فرهنگ‌های بومی هر جامعه‌ای از یک سو و تمایل به امروزی شدن از سوی دیگر، از جمله مسائل بسیار مهم جوامع مختلفی می‌باشد که تأثیر مستقیم آن در معماری معاصر آنها قابل لمس، مشاهده و بررسی است. مسئله این است که چگونه می‌توان سنت، ارزش‌ها و معانی عناصر پیشین را حفظ و در عین حال فردی امروزی نیز بود(اعزیزی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۵۱). معماری معاصر ایران بیش از هر زمان دیگری به نقد علمی و منصفانه نیاز دارد، نقدی که زیربنای اصلاح و بهبود فرآیندها و روش‌های موجود در حل مسئله معماری باشد، به خصوص زمانی که دستیابی به معماری فاخر و معماری سرآمد به بخشی از خواسته‌های قانون برنامه‌های پنجم و ششم توسعه، و سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی تبدیل شده است. بهترین راه برای رسیدن به نتایج مطلوب‌تر نقد گذشته و هموار کردن راه برای آینده است؛ چنان که در نقل قولی مشهور و منسوب به حضرت امیرالمؤمنین علی(ع) آمده است: «رَحِيمُ اللَّهِ إِمَراً عَلِمٌ مِّنْ أَيْنَ وَفَى أَيْنَ وَ إِلَى أَيْنَ» - «خداد رحمت کند کسی را که بداند از کجا آمده و در کجا قرار گرفته است و به سوی کجا می‌رود(ملاصدرا، ۱۳۷۹: ۳۵۵). استفاده از نقد و بیان صحیح نقاط ضعف، با هدف جبران کاستی‌ها در اندیشه اسلامی از سابقه‌ای طولانی برخوردار است(مهدوی‌نژاد، ۱۳۸۳: ۳۷۹). در این زمینه لازم است «نقد و تحلیل» به جای اعتراض صرف یا تأیید احساساتی، هدایتگر و جهت‌دهنده باشند. به عبارت بهتر باید نتایج نقدهای معماری رو به سوی آینده داشته و عاقیت‌اندیشانه باشد(اتو: ۱۳۸۸: ۲۰). نقد معماری کمتر به عنوان یک فرآیند نظاممند و سازمان‌یافته مورب بررسی واقع شده است. شاید به این دلیل که مقوله نقد معمارانه هنوز به مرحله شکوفایی کامل دست نیافته است. عدم وجود پیکرهای واحد، که بتوان در مباحث و تحلیل‌های نقادانه وادی معماری بدان تمسک جست، خود شاهدی بر این ادعای است(عباسی، ۱۳۹۲: ۷۰). اما گرایش به نقد آثار معماری معاصر به عنوان الگویی برای یادگیری معماری، بر ضرورت و اهمیت موضوع افزوده است(مهدوی‌نژاد، ۱۳۹۶: ۶۰). گرچه الزاماً شناخت کافی از مسئله طراحی به طرح بهتر نمی‌انجامد(دانشگر مقدم، ۱۳۸۸: ۵۹)، اما از طرفی شناخت و تحلیل مسئله طراحی به خصوص از طریق فرآیند تحلیل نمونه‌هایی موردنی، به واسطه‌ی شناخت «ماموریت بنا» و رویکرد طراح در چگونگی بکارگیری در بیان «کانسپت‌ها و ضروریات عملکردی» برای بیان «اهداف» طرح لازم و ضروری است؛ زیرا یافتن متغیرها و رویکردهای مواجهه با مسئله طراحی می‌تواند در ایجاد جرأت لازم در طراح مبتدی، مؤثر و نتیجه‌بخشن می‌باشد.

پیشینه «نقد و تحلیل» در فرآیند آموزش معماری

«نقد معماری» موضوعی راهبردی و بحث برانگیز در آموزش معماری محسوب می‌شود. روش‌های متنوعی از سوی اساتید با هدف آموزش «نقد معماری» به کار گرفته می‌شود که هر یک تا اندازه‌ای در این مسیر موفق عمل بوده‌اند. بر اساس شیوه‌ی مبتنی بر برخورد با معماری به مثالیه یک موضوع ارتباطی میان معمار و مخاطب می‌توان از دانشجویان خواست تا از شش منظر به تحلیل یک اثر معماری پردازنند: ۱) تحلیل رمزگان و نشانه‌های بصری به کمک نشانه‌شناسی(دیدگاه کلاسیک)؛ ۲) بازخوانی نیت و اندیشه‌های معمار به عنوان مبدع اثر، برمبنای ساختار تأویل و ویژگی‌های پدید آورنده(دیدگاه رومانتیک)؛ ۳) تحلیل صورت و فرم معماری بر مبنای شکل خارجی بنا(دیدگاه فرمی)؛ ۴) تحلیل بافت و زمینه اجتماعی و سیاسی برپایی بنا(دیدگاه زمینه‌ای)؛ ۵) تحلیل برداشت‌ها و نظرات مخاطب(دیدگاه پدیدارشناسانه)؛ ۶) تحلیل ویژگی‌های تماسی و فرآیند ساخت پروژه(دیدگاه رسانه‌ای)(مهدوی‌نژاد، ۱۳۸۴: ۶۹).

جدول ۱- گرایش‌های نظری و تأثیر آنها بر گروه‌های نماینده در جهان معماری

نحوه نماینده	کانون توجه	نحله‌های نقد
اغلب شیوه‌های سنتی	شناخت اجزا و نقش مایه‌های فرهنگی	کلاسیک
اغلب شیوه‌های مدرن	ایده‌های معنوی و تقویت نیت سازنده	رومانتیک
فرمالیست‌های روسی	تقویت توانمندی در خلق تناسبات چشم‌نواز	فرمالیسم
مارکسیست‌ها و فمینیست‌ها	توجه مردم و مقاومت در برابر تبلیغات تجاری	زمینه‌ای
شیوه‌های پست‌مدرن	استفاده از نظرات مردم و استفاده کنندگان از بنا	پدیدارشناسانه
اغلب شیوه‌های جدید	تقویت خلاقیت در انتخاب روش و تکنولوژی ساخت	رسانه‌ای

(مهدوی‌نژاد، ۱۳۸۴: ۷۵)

الگوی نقد آثار معماری معاصر ایران

بستر یا زمینه: بستر یا زمینه‌ای که اثر معماری در آن شکل می‌گیرد، نخستین مبحثی است که می‌تواند بر اساس الگوی ارائه شده مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. بستر یا زمینه را می‌توان از دو منظر بررسی نمود: **(الف) نیاز جامعه:** هر اثر معماری در پاسخ به یک نیاز، برنامه‌ریزی و طراحی می‌شود. تأمین اعتبارهای اقتصادی و تأمین ظرفیت‌های لازم نیز بر اساس همین نگرش شکل می‌یابند. البته این نیاز می‌تواند شامل: نیازهای «فیزیکی- عملکردی» و یا «معنوی- یادمانی» باشد. **(ب) گفتمان‌های موجود:** گفتمانی که اثر معماری در آن طراحی و ساخته می‌شود. «بوم» به عنوان محمول بیان ویژگی‌های زمینه، در کانون توجه قرار دارد. در این حالت معمار، شنوندهای آگاه است که در ارتباط با جامعه متخصصین و کارشناسان، از طریق مشاهده عمیق و برداشت میدانی، به نیازهای زمینه گوش فرا می‌دهد. به عبارت دیگر در این رویکرد، معماری محصول نیروهای برخاسته از زمینه طراحی است. جایگاه متتقد معماری، شناسایی نسبت اثر و نیازهای زمینه طراحی است (مهدوی نژاد، ۱۳۹۶: ۶۶).

تحلیل فرآیند مبنا: فرآیند شکل‌گیری یک اثر معماری اعم از برنامه‌ریزی، برنامه‌دهی و فرآیند اجرا، بخش دیگری است که در نقد یک اثر معماری از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. فرآیند شکل‌گیری اثر معماری در دو گروه قابل مطالعه است: **(الف) فرآیند طراحی و مراحل به وجود آمدن ایده:** نقد فرآیند طراحی معماری و عوامل شکل‌دهنده آن. **(ب) فرآیند شکل‌گیری و ساخت:** بر اساس الگوهای نظری ارائه شده، هماهنگی فرآیند ساخت یک پژوهش با موضوع آن، نشانه فهم صحیح موضوع؛ و عدم تناسب آن بیانگر یک نوع آشفتگی در خرده‌نظم‌های اجتماعی است. متتقد معماری می‌تواند فرآیند ساخت و تدبیر به کار رفته در آن را به عنوان یک موضوع مناسب در نقد مطرح سازد. در این حالت «فرآیندها و روش‌ها» کانون توجه متتقد معماری است. معمار در این حالت مدیری است که عملکرد وی بر اساس قانون شناخته می‌شود. عنایت به ظرفیت‌ها و خواسته‌های گروه‌های ذی نفع و ذی نفوذ، مبتنی بر گرایش فکری سیستمی و مشارکتی، و البته بر مبنای استناد قانونی مربوط به مدیریت پژوهش است. جایگاه معمار به عنوان سازمان‌دهنده و سامان‌دهنده فرآیند طراحی و ساخت اثر معماری است. موفقیت اثر بر مبنای مشارکت حداکثری در فرآیند برنامه‌ریزی، برنامه‌دهی و ساخت اثر سنجیده می‌شود، جایگاه متتقد هم کترل‌کننده‌ی صحت فرآیند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری است (همان).

اقبال عمومی: عملکرد در تعریف مردم‌گرا از معماری، و اقبال عمومی دو مفهوم به هم پیوسته‌اند. پاسخگویی به نیازهای مختلف عملکردی، اجتماعی و ...؛ در کنار پذیرش بنا از طرف نهادهای مختلف اجتماعی، موضوعی است که در حوزه کارکرد بنا مطرح می‌شود. بر اساس تعریف، کارکرد بنا را می‌توان در دو گروه به دقت مورد تحلیل و بررسی قرار داد: **(الف) پاسخگویی به نیازهای عملکردی:** یکی از مهمترین انتظارات ما از یک بنا، پاسخگویی به نیازهای عملکردی و کالبدی است که بنا بر اساس آن طراحی و اجرا شده است. **(ب) پذیرش نهادهای اجتماعی:** بر اساس رویکرد فرم‌گرایانه به تعریف معماری، زمانی پاسخگویی به عملکردی‌های یک اثر مناسب ارزیابی می‌شود که نهادهای اجتماعی آن را پذیرند و از آن استقبال کنند؛ در غیر این صورت با هیچ معیار نمی‌توان در موارد اختلافی اظهار نظر کرد. متتقد معماری در این حوزه با بیان میزان استقبال گروه‌ها و نهادهای مختلف جامعه از بنا، به تبیین میزان موفقیت یا عدم موفقیت بنا پیردازد. در نگاه مردم‌گرا، «فرم و شکل» در کانون توجه قرار دارد. هماهنگی با خواست مردم، ویژگی بر جسته معمار است و اثر بر مبنای نظرات جامعه بازدید‌کنندگان و موفقیت آن با ارزیابی میزان مشارکت، با ابزار پرسش‌نامه و افکارسنگی مورد سنجش واقع می‌شود. جایگاه معمار با هدایت فرآیند طراحی بر اساس خواست اکثريت جامعه تعریف می‌شود زیرا اثر بر جسته معماری اثری است که هماهنگ با سلیقه عمومی و در پاسخ به خواست مردم طراحی و اجرا شده است. متتقد معماری در حقیقت مدافع سلیقه عمومی و گرایش‌های مردم‌گرا و عامه‌پسند خواهد بود (همان).

نقد: نقد یکی از بخش‌هایی است که در خلال آن می‌توان بازخوردها و واکنش‌های گروه‌های مختلف را نسبت به بنا مورد ارزیابی قرار داد. نقد تحلیل‌های متقدین رسمی و غیررسمی، و ساخت بنای معماری به عنوان یک نقد اجتماعی موضوعی که در ادبیات تخصصی جامعه، از آن با نام «نقد نقد» یاد می‌شود. نقدهایی که درباره‌ی یک اثر معماری خاص تهیه می‌شوند، در دو گروه قابل تحلیل خواهند بود: **(الف) نقدهای رسمی:** نقدهای رسمی به کلیه‌ی اظهارنظرها و انتقادهای اطلاق می‌شود که توسط گروه‌های مسئول و متخصص مطرح می‌شود. متقدان معماری، مهمترین بخش این گروه را به خود اختصاص می‌دهند. **(ب) نقدهای غیررسمی:** نقدهای غیررسمی شامل: اظهارنظرها و انتقادهایی است که توسط گروه‌های غیرمتخصص، به خصوص کاربران بنا ارائه می‌شود. متقد معماری می‌تواند علاوه بر دو گروه فوق، میزان و نوع ارتباط این نقدها را با یکدیگر، به دقت مورد تحلیل و بررسی قرار دهد. کانون توجه متقد، شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است و گروه اصلی مخاطب، اندیشمندان، متفکران و متقدان‌اند. ویژگی بر جسته معمار، شناخته شدن به عنوان یک متقد اجتماعی

است. منتقد معماری، جدایی‌گرین، ایده‌آلیست، پسasاختارگر است و به جستجو و مطالعه آثار منتقدین معماری می‌پردازد. معمار برگزیده معماری است که مردم را به فر کردن و بازاندیشی تشویق کند؛ و منتقد معماری در جایگاه معلم جامعه، رسالت اجتماعی معماران به عنوان ناجی و مرتب گوشزد می‌نماید(همان).

بازآفرینی گفتمان نوین: هر گفتمانی که در معماری شکل می‌گیرد، به جامعه عرضه می‌شود؛ پس از دریافت بازخوردها و شکل یافتن نمونه‌های قابل قبول، گفتمان جدیدی بازتولید می‌شود. بازآفرینی گفتمان نوین در دو گروه قابل بررسی خواهد بود: **(الف) بازتعریف گفتمان:** بازتعریف گفتمان بر اساس تجزیه و تحلیل نقدهای موجود و برآیند نقد نقدهای تهیه شده از یک بنا خواهد بود، اغلب بازتعریف گفتمان‌ها ناپیدا بود، تا ظهور نمونه‌ای جدید توسط مردم درک نمی‌شوند. **(ب) تعریف نیاز جدید:** همواره نقد نقدهای گذشته، به شکل گیری یک برآیند جامع و تعریف نیازهای جدید می‌انجامد. بر اساس پیش‌بینی‌های الگوی تحلیل گفتمان، نیازهای جدید آغازگر دوباره چرخه‌ای نو در نقد محسوب می‌شوند. در این حالت نیازهای آینده در کانون توجه است و معمار خود را نظریه‌پردازی پیشرو می‌بینند. نقد بر جایگاه معماران و طراحان آینده تأکید داشته، بر علوم جدید مانند: دیجیتال، زیست‌شناسی و آینده‌نگاری تأکید می‌کند. مفاهیمی مانند: معماری معاصر، میراثی برای آینده، در این حالت منتقد را به شخصیتی با مشخصات جریان‌ساز و سبک‌آفرین مبدل می‌سازد(مهدوی نژاد، ۱۳۹۶: ۶۷).

جدول ۲- الگوی نقد اثار معماری معاصر ایران؛ مأخذ: [۷]

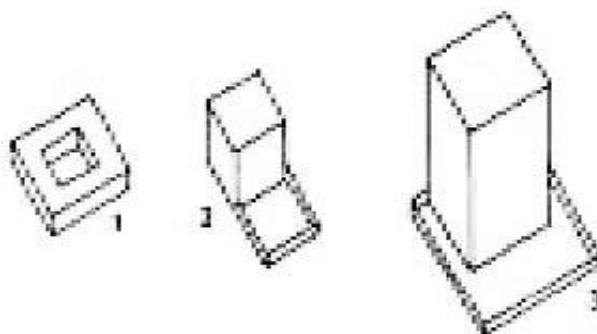
موضع نقد	کانون توجه معمار	برجسته ویژگی	گروه مخاطب نقد	گرایش فکری	ابزار و استاد انجام نقد	جاگاه معمار	تعريف از معماری	جاگاه منتقد
قابل زنده	بوم	شنوندهای آگاه	متخصصین و کارشناسان	ستی، نومندرن، اکولوژیک	مشاهده عمیق و برداشت میدانی	گوش سپردن به آنچه زمینه به او می‌گوید	معماری، محصول نیروهای زمینه زمینه طراحی	نسبت اثر و نیازهای برخاسته از برخاسته از
قابل زنده	فرآیندها و روش‌ها	گروههای ذی نفع و ذی نفوذ	مدیر قانون گرا	سیستمی، مشارکتی	اسناد قانونی	و ساماندهی فرآیند طرাখی و ساخت اثر معماری	شارکت حداکثری در حقیقتی در فرآیند برنامه‌ریزی، برنامه‌دهی و ساخت اثر	کنترل کننده صحت فرآیند تصمیم‌سازی تصمیم‌گیری
قابل زنده	فرم و شکل	جامعه بازدیدکنندگا	هماهنگ با مردم	مشارکت مینا، مردم- گرا، مردم- پسند	طراحی بر اساس خواسته اکثریت جامعه	هماهنگ با سلیقه عمومی، پاسخ به خواست مردم	مدافع سلیقه عمومی و گرایش‌های مردم‌گرا و عامه‌پسند	هماهنگ با سلیقه عمومی، پاسخ به خواست مردم
شرطی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی	منتقد اجتماعی	اندیشمندان، متفکران و منتقدان	جادایی‌گرین، ایده‌آلیست، پسasاختارگرا	جستجو و مطالعه آثار منتقدین معماری می‌کند	طراحی اثربخش	رسالت اجتماعی به عنوان ناجی حامی ابرمعمار	دانایی کل، علم جامعه و بازاندیشی و ابرمعمار	رسالت اجتماعی به عنوان ناجی و ابرمعمار

آندهای اینده	نظریه پردازی	معماران و	دیجیتال،	پیش‌بینی	مشاهده و	اندیشه‌های	معماری
نیازهای آینده	پیشرو	طراحان آینده	زیست‌شناسی	آثاری که در	جربان ساز و	پاسخگویی	جدید را برای
همچنان	جذب	آینده	و آینده‌نگاری	آندهای ساخته	سبک‌آفرین	میراثی برای	آندهای معاصر،
جنوبی	بازآفرینی	آندهای اینده	می‌شوند	آینده	آندهای اینده	آندهای اینده	آندهای اینده

(مهدوی نژاد، ۱۳۹۶: ۶۵)

تغییر «نظام الگویی معماری» در خانه‌های معاصر

چرا آثار مسکونی معاصر، نیاز به تحلیل، نقد و بررسی دارند؟ آیا به این خاطر که معماری مسکونی بیشترین میزان ساختوساز را به خود اختصاص می‌دهد و چهره اصلی شهر را می‌سازد؟ یا این که کالبد مسکونی به یک معنا، آینه‌ی تمام نمای فردیت افراد و فرهنگ یک جامعه است؛ «به تعبیر دیگر آنچه شکل مسکن و سبک‌وسیاق معماری را از حیث معنوی رقم می‌زند، نشان‌دهنده‌ی فرهنگ جامعه است(شخصی و همکاران، ۱۳۹۶: ۸۶)»؛ زیرا «هر چقدر که زندگی شهری اصیل باشد، شهر این دستورها را به یک سبک تبدیل می‌کند؛ این سبک، خود را به شکل سبک معماري نشان می‌دهد و با هنر و موضوعات هنری مرتبط می‌شود(لوفور، ۱۳۷۹)». در واقع، هر خانه به مثابه مجموعه‌ای است که در آن نماها و نشانه‌های هویتی و شخصیتی مان را به نمایش می‌گذاریم. شکل خانه، موقعیت آن، مصالح و تزئینات داخلی خانه هر کدام نمادی است دربردارنده‌ی معناهایی که صاحبان خانه‌ها، آن را به مثابه پیام‌های درباره خودشان می‌دانند که به دیگران انتقال می‌دهند(فاضلی، ۱۳۹۲: ۲۵۲). این احساس نیاز از طرفی، به تغییر نظام الگویی خانه‌های معاصر نیز مرتبط می‌شود؛ در گذشته آرایش فضای مسکن که به دنبال قواعد هندسی بود، در حال حاضر متاثر از هندسه قطعه زمین گردیده است و فضاهای چندمنظوره و ترکیب شده از فضاهای باز، نیمه باز و بسته که افزایش تنوع فضایی را باعث می‌شد امروزه به فضاهای زندگی بسته تبدیل شده‌اند(Mirmoghtadaee, 2009). محدودیت‌های تحمیل شده بر عرض نمای ساختمان‌های معاصر و لزوم ارائه دسترسی خیابان به هر قطعه زمین، باعث تغییر الگو از خانه‌های حیاطدار به ردیف‌های آپارتمان و نیاز به خانه‌های بیشتر و تراکم بالاتر شده است(Shayesteh & Steadman, 2013). در نوع جدید سکونت، حوزه زندگی هر خانوار کوچکتر و یک حیاط مشترک(برخلاف حیاط فردی خانه‌های سنتی)، که متعلق به تمام خانواده‌های ساکن آپارتمان است وجود دارد. مقررات جدید ساختمان، که اجازه ساخت برای پوشش ۶۰٪ از زمین و ۴۰٪ برای فضای باز می‌دهد، اثر زیادی بر این سازمان فضایی خانه‌ها و همچنین طراحی شهری داشته است(Moosavi, 2012 به نقل از میرسجادی و فریکش، ۱۳۹۵).



تصویر ۱- سیر تحول الگوی معماری در خانه‌های معاصر(Mirmoghtadaee, 2009)

تحلیل نمونه‌های موردی

ساختر نظری انتخاب نمونه‌ها: برای کنترل متغیرهای تحقیق(نظیر ویژگی‌های فرهنگی بستر طراحی، نمونه‌هایی در جامعه‌ی آماری قرار می‌گیرند که در یک بستر مشخص(کشور ایران) و توسط معماران معاصر به وجود آمده‌اند. با توجه به این معیارها، همچنین با توجه به هدف پژوهش مبنی بر کاربردی بودن نتایج، مجموعه‌های موفق و تأثیرگذار مسکونی در شهرهای مختلف ایران به عنوان محدوده اصلی با محوریت عوامل مشترکی نظیر اقلیم، بستر و ... از دهه‌ی ۵۰ به بعد انتخاب می‌شوند. نکته‌ی مهم در ایران دوران دهه‌ی ۵۰ بازگشت به

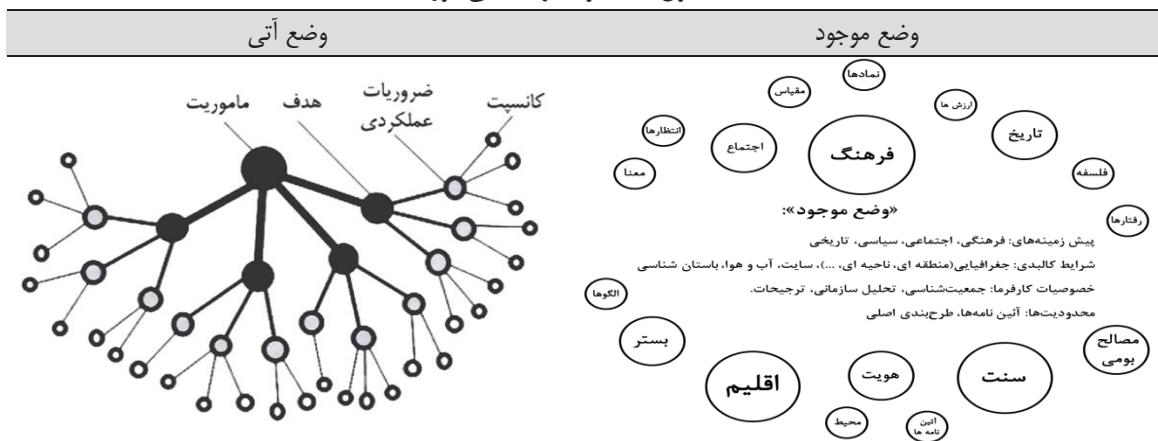
ارزش‌های معماري بومي و استفاده از آن در معماري نوين است که به نوعی پست‌مدريدي ايراني محسوب مي‌شود. باني‌مسعود معتقد است که دده‌های ۴۰ و ۵۰ خورشيدی در ايران از مهمترین و پرياترین دده‌های شکوفايی معماري مسکونی است (راهپ، ۱۳۹۵). آغاز نگرش به معماري غربي و بي‌توجهی به ميراث اصيل معماري ايراني را باید در دوره قاجار جستجو کرد (باني‌مسعود، ۱۳۸۹: ۱۱). از اين زمان به بعد (از اواخر دوره قاجار و آغاز دوره پهلوی)، موضوع معماري گذشته و نو همواره مساله برخی از معماران ايران بوده است (حاجي‌جعفری، ۱۳۹۲: ۱۱).

مسير انتخاب آثار: برای انتخاب آثار دو معيار اصلی، ملاک کار قرار گرفت: الف) آثار انتخاب شده، متعلق به دوره معاصر باشد. از ميان تجربيات پراكنده‌اي که در سال‌های اخير در زمينه معماري مسکونی صورت گرفته است، می‌توان طراحانی را شناسایي کرد که به دليل نوع برخورد با معماري خانه دارای وجهه اشتراك قابل توجهی در زمينه‌ی مواجهه و برخورد با بستر طرح هستند. ب) برای پرهیز از گستره شدن مطلب و تكرار در پژوهش و دستيابي به انديشه‌های مختلف در اين زمينه، بناها با يك کاريبری (کاريبری مسکونی) و گونه‌های مختلف آن (ويلايی، شهری، مجتمع مسکونی و ...) برگزیده شد و با انتخاب تعدادی از آثار مسکونی تأثیرگذار و موفق در مسابقه‌های طراحی بين المللی و داخلی که در زمينه‌ی برقراری ارتباط با بستر و سايتي که در آن قرار گرفته‌اند و راهكارهای معمارانه ارائه داده‌اند، تعدادی از بين فهرستی^۱ بيش از چهل بنای مسکونی، نمونه‌های مورد پژوهش به دلایل در دسترس بودن: «مدارک فني» و «نظرات و انديشه‌های شكل‌دهنده معماران» انتخاب شدند.

ساختار تحليل نمونه‌ها: از بررسی‌های توصيفی و تحليلي نمونه‌های موردی در حوزه‌ی مسکونی، تجربيات معماران ايراني در چارچوب واژه‌ها و عباراتی در ذيل جدول تحليلي «فرآيندمينا» برداشت شده از بخش «وضع آتي» برنامه‌دهی دورک خلاصه می‌شوند. هر کدام از اين واژه‌ها، بر مصاديق جزئی‌تری دلالت دارند که برای تبيين بيشتر حوزه‌ی بحث، مورد نظر قرار می‌گيرند. اين واژه‌ها، مشخص کننده‌ی چارچوب مواجهه با ويژگی‌ها و پتانسييل‌های بستر فرهنگی و كالبدی معماري سرزميني ايران می‌باشند. اساس تحليل، با استفاده از روش تحليل محتوا، و با بهره‌گيری از برنامه‌دهی دورک به عنوان مدلی برای تحليل در نمونه آثار معاصر در حوزه‌ی مسكن در دوره معاصر قرار داشته و رابطه‌ی « نوع نگرش و تفکر طراح » با ويژگی‌های بستر طراحی مشخص می‌شود. اين رابطه در چهار مرحله‌ی خلق اثر شامل: « مأموریت‌بنا، اهداف، ضروريات عملکردي و کانسپت‌ها » تحليل می‌شود. تحليل بنها، از طريق نگاه بيرونی مؤلف به نمونه‌های مورد پژوهش با استناد به مصاحبه‌های طراحان آثار صورت می‌گيرد. در ادامه، ابتدا تعریف مشخصی از برنامه‌دهی دورک و نوع تحليلی که قرار است انجام شود با ذکر مثال ارائه می‌شود و سپس نمونه‌های انتخاب شده از آثار مسکونی معاصر مورد تحليل و ارزیابي قرار می‌گيرند.

الگوي برنامه‌دهی دورک: « برنامه‌دهی دورک » را می‌توان به دو بخش اصلی تقسیم کرد: ۱. تحليل وضعیت موجود: شامل زمينه‌اي است که طرح باید در آن جای گيرد و شامل تحليل سایت، مشخصات استفاده‌کننده، خوابط و آئين‌نامه‌ها، محدودیت‌ها و اقلیم می‌باشد. ۲. پيش‌بياني وضعیت آتي: شامل مجموعه‌اي از معيارهایی است که طرح موفق باید دارا باشد. اين موارد شامل « مأموریت / موضوع پروژه »، « اهداف » و « ضروريات عملکردي » و شکل‌گيری « کانسپت‌ها » است (دورک، ۱۳۹۱: ۱۸۱).

جدول ۳- الگوي برنامه‌دهی دورک



چهار مرحله اصلی جهت پيشبرد برنامه در معرفی «وضع آتي» عبارتند از: تهيه « بيانه مأموریت », ايجاد اهداف پروژه، طراحی ضروريات عملکردي قابل اندازه‌گيری و ايجاد روابط مفهومي (کانسپت) که در زير معرفی شده‌اند.

جدول ۴- چهار مرحله اصلی در «وضع آتی»

مراحل	توضیح
عملکردی	برای این که مسیر پروژه به طور شفاف بیان شود، لازم است که بر روی مأموریت پروژه تأکید شود. «بیانیه مأموریت» باید به این پرسش‌ها پاسخ دهد: «چرا این پروژه را انجام می‌دهیم؟»، «بیانیه مأموریت» باید هدف و منظور خاص پروژه ساختمانی را که لازمه‌ی موفق شدن آن است، تعریف و همچنین پایه و اساسی را برای پروژه پیشنهاد کند(تمامی اهداف، ضروریات عملکردی و کانسپت‌ها باید با «مأموریت» پروژه هماهنگ باشند).
ضروریات	برای این که «مأموریت» پروژه تحقق پیدا کند، «اهداف» پروژه می‌باید تعیین شوند تا کیفیت طرح نهایی بر اساس کلیه «موضوع‌های طراحی» که در مرحله‌ی «تحلیل» شناخته شده‌اند، تضمین گردد. بیان روش «اهداف» جهت‌گیری خاصی را برای ذهن طراح تعریف می‌کند(بدون این که حس خلاقیت او را محدود کند و توانایی او در مرحله‌ی «ترکیب» را شکوفا می‌سازد). برخورداری از توان و مهارت لازم در به کارگیری دقیق لغات برای بیان هدف، شرطی لازم است تا از این راه «بیانیه هدف» به طور جامع آنچه را که مد نظر است، بیان کند.
عملکردی	برای پی بردن به اهداف طرح، ساختمان می‌باید دارای عملکردی مطلوب باشد. «ضرورت عملکردی» وسیله‌ای برای تتحقق بخشیدن به «هدف» می‌باشد. یک «ضرورت عملکردی» بیانی از عملکردی قابل اندازه‌گیری است که باید در طراحی به آن توجه داشت تا اهداف طرح محقق شوند.
کانسپت‌ها	برای این که عملکرد ساختمان در سطح مطلوب کارآئی خود قرار گیرد، باید به لحاظ کالبدی نیز به گونه‌ای ساماندهی شده باشد که امکان بهره‌گیری از سطح مطلوب عملکردی را فراهم سازد. کانسپت‌ها، دیاگرام‌هایی هستند که روابط سازماندهی شده‌ای ایده‌آل را نمایش می‌دهند. یک کانسپت را می‌توان برای سطوح مختلف یک طرح سازماندهی کرد، چنان که در فعالیت برنامه‌دهی و طراحی این کانسپت‌ها می‌توانند از ابعاد کلان تا خرد مطرح گردد(برای مثال، کانسپت در سطح کلان برنامه‌دهی را «طرح‌مایه(Parti)» (ایده‌ای کلی) و کانسپت در سطح خرد برنامه‌دهی را که به جزئیات فضایی پردازد را «کانسپت برنامه‌دهی» می‌نامند)(دورک، ۱۳۸۹: ۸۰-۸۱).

الگوی «تحلیل فرآیندمبنا» بر پایه مؤلفه‌های : «مأموریت بنا، اهداف، ضروریات عملکردی و کانسپت‌ها»

آنچه به طور شاخص موجب سودمند واقع شدن الگوی برنامه‌دهی دورک شده است، رویکرد «برنامه‌دهی موضوع-محور(issue-based programming)» آن است. در این رویکرد، «موضوع‌ها(issues)» نکات مورد ملاحظه‌ای هستند که پاسخ طراحی خاص را ایجاد می‌کنند و همچنین در خصوص نقد و طراحی یک فضای موجود می‌تواند بسیار تأثیرگذار باشد. در این راستا می‌توان از بخش «وضع آتی»، یک الگوی تحلیلی فرآیندمبنا بر اساس مؤلفه‌های «مأموریت بنا، اهداف، ضروریات عملکردی و کانسپت‌ها» طراحی نمود؛ به عنوان مثال برای تحلیل «برج آزادی»، می‌توان به شکل زیر استفاده نمود:

جدول ۵- تحلیل فرآیندمبنا «برج آزادی» به وسیله نمودار «وضع آتی» در برنامه دهی دورک

مأموریت بنا	هدف	ضروریات عملکردی	کانسپت
الهام از هندسه طبیعی	الهام از هندسه طبیعی	نحوه چیدمان و هندسه خاص نمای ساختمان	
ماندگاری	ماندگاری	به کار بردن رنگ خاص	بندهای کوته
طراحی نماد ملی	طراحی نماد ملی	تنظيم ارتفاع بنا در ارتباط با محیط پیرامون	
هُويت	هُويت	استفاده از باغ سازی ایرانی	توجه به نمادهای ایرانی
		ارجاع به فرم‌های آشنای معماری ایرانی(مانند: طاق گهواره ای)	
		استفاده از عناصر آشنای معماری اسلامی(مانند: رسمی بندي)	توجه به نمادهای اسلامی
مدرن	مدرن	استفاده از تکنولوژی خاص	استفاده از تکنولوژی خاص
		(فدوی انبیائی، ۱۳۹۴)	

نمونه‌های مورد مطالعه: نکته قابل توجه در این بخش، ذکر این موضوع می‌باشد که تحلیل نمونه‌ها بر اساس مصاحبه‌ها و نظرات طراحان در مورد کار و پروژه‌هایشان می‌باشد. از طرفی سعی شد تا از گونه‌های مختلف مسکونی (ویلایی، شهری، مجتمع مسکونی و ...)، یک نمونه مورد تحلیل و نقد قرار گیرد.

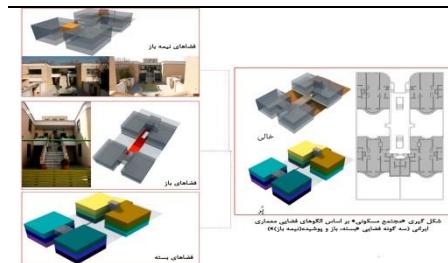
جدول ۶- تحلیل «برج مسکونی مهرآفرین» به وسیله الگوی تحلیلی «فرآیندمبنا»

مأموریت بنا	اهداف	ضروریات عملکردی	کانسپت	تصاویر
بنای ساختمانی از ساخته‌ای تجویزه به مسکن	استفاده از «تاریخ به تاریخ»	بر اساس حوزه تمدنی ایران (از ماوراءالنهر تا بین‌النهرین)، ارتفاع هر بنایی که از عنوان حافظه مشترک محور افق بالاتر می‌رود، به رنگ فیروزه ای آسمان در می‌آید (گویی در برابر آسمان خشوع می‌کند).		
بنای شهری از دوباره نهاد	عدم مخدوش کردن «چشم‌انداز طبیعی شهر» و «خط آسمان نرمال»	بهره‌گیری از دو رنگ «خاکی و آبی» با مطالعه هدفمند تاریخ معماری بناهای بلندمرتبه (مانند: مقبره بازیزد، گنبد سلطانیه و بقعه سید رکن‌الدین)	استفاده از کاشی	
بنای زین خاص	استفاده از تکنیک «پیکسل‌بندی»	استفاده از تکنیک «پیکسل‌بندی» به منظور دستیابی به قطعه‌بندی رنگ‌ها و امکان ادغام تدریجی آنها	استفاده از کاشی و دارای سابقه تاریخی	

مأخذ تصاویر(نیکبخت، ۱۳۹۵)

جدول ۷- تحلیل «مجتمع مسکونی نگین جلفا» به وسیله الگوی تحلیلی «فرآیندمبنا»

مأموریت بنا	اهداف	ضروریات عملکردی	کانسپت	تصاویر
زمینه زمینه	«همگرایی کالبدی» با	تکرار و الگوبرداری از نرده‌ها و بازشوهای دایره‌ای شکل از معماری در نما مدرسه فرانسوی‌ها	الگوبرداری از عناصر معماری در نما	
زمینه زمینه	اخذ مفاهیم طراحی از ویژگی‌های محسوس مکانی (بهره‌گیری از «تقارن» و «هنده‌یکسان» در «اصل تقارن» و «پیمون» در نظام معماری منطقه‌ای)			



الگوگیری از «الگوهای سازماندهی مجتمع مسکونی بر اساس الگوهای «باز، بسته و نیمهباز» در معماری ایرانی

جدول -۸- تحلیل «خانه کوهبر» به وسیله الگوی تحلیلی «فرآیندمبنا»

مأموریت بنا	اهداف	ضروریات عملکردی	کانسپت	تصاویر
برقراری ارتباط بین روابط فضایی خانه‌های سنتی ایران با معماری خانه‌های مدرن	استفاده از مصالح بوم- آجر	بهره‌گیری از ارزان‌ترین و پیش‌پا افتاده- ترین مصالح در معماری ایرانی بنام «آجر» نتراشیده و زمخت موسوم به «آجر فشاری»	قرارگیری فضاهای پُر و خالی در طراحی در چارچوب «شبکه» و طراحی یک کوچه، گذر یا یک «شبکه فضایی» دسترسی عمودی	
انتقاد از روند طراحی آپارتمان‌های معاصر	انتقاد از سیستم دسترسی عمودی	معمول (به صورت پله دو طرفه که تا بالا دور خود می‌چرخد)	عدم ملاک قرار دادن «قواعد و معیارهای معمول طراحی»(قواعدی که برای طراحی ساختمان‌های ناآشنا با مفاهیم فرهنگی زندگی ایرانی(مانند آپارتمان) تدوین شده بودند و زندگی جاری در آنها مغایر با سبک زندگی جامعه معاصر ایرانی بود)	
مأخذ تصاویر(زیرک، ۱۳۹۶)				

طراحی بر اساس «مفاهیم فرهنگی ایران» و «تعییرات و وضعیت جامعه معاصر»

جدول ۹- تحلیل «ساختمان بیدآباد» به وسیله الگوی تحلیلی «فرآیندمینا»

تصاویر	کانسپت	ضروریات عملکردی	اهداف	مأموریت بنا
	ایده گرفتن از بهره‌گیری از ایده‌ی «سیستم ارتباطی» خانه‌های گذشته و تبدیل «مسیر دو بعدی» به «سیستم ارتباطی سه بعدی» «معماری ایرانی»	ایده گرفتن از «سلسله‌مراتب» خانه‌های گذشته و تبدیل «مسیر دو بعدی» به «سیستم ارتباطی سه بعدی» «معماری ایرانی»	برقراری ارتباط بین ساختمان پیدا و زمینه موجود	براساس «اعتزام به بافت و زمینه»
	توجه به استقرار بصری بنا در استفاده حداقلی از بازشوها در نما و سایت (همانگی همسایگی با خانه‌های هم‌جوار با بستر)	توجه به استقرار بصری بنا در استفاده حداقلی از بازشوها در نما و سایت (همانگی همسایگی با خانه‌های هم‌جوار با بستر)	برقراری ارتباط بین ساختمان پیدا و زمینه موجود	براساس «اعتزام به بافت و زمینه»
	مورد نقد قرار دادن «سیستم ارتباطی عمودی» معمول در ساختمان‌های طراحی آپارتمان- معاصر و به کارگیری راه حلی از های معاصر «معماری ایرانی» با بیانی معاصر بر اساس نیاز ساکنان	انتقاد از روند «معماری آپارتمان- معاصر و به کارگیری راه حلی از های معاصر «معماری ایرانی» با بیانی معاصر بر اساس نیاز ساکنان	برقراری ارتباط بین ساختمان پیدا و زمینه موجود	براساس «اعتزام به بافت و زمینه»

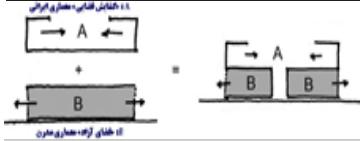
مأخذ تصاویر(حسینی و گرامیزاده، ۱۳۸۹)

جدول ۱۰- تحلیل «خانه شریفی‌ها» به وسیله الگوی تحلیلی «فرآیندمینا»

تصاویر	کانسپت	ضروریات عملکردی	اهداف	مأموریت بنا
	استفاده از تکنولوژی خاص به کار بردن مصالح جدید	ایستایی و پایایی بنا	من	طراحی خانه‌ای بزرگ، ویژه و شاخص براساس توجه به «اقیمه»، بستر و میراث
	در زمستان: «حجمی بسته، بدون تراس و برونق‌های کوچک» در تابستان: «حجمی شفاف و باز، با تراس‌هایی عمیق و پنجره‌های بزرگ»	در زمستان: «حجمی بسته، بدون تراس و برونق‌های کوچک» در تابستان: «حجمی شفاف و باز، با تراس‌هایی عمیق و پنجره‌های بزرگ»	پیش	معماری ایرانی
	«چرخش‌های نما» جهت باز شدن در تابستان برای نورگیری و بسته شدن در زمستان برای مقابله با سرما	الهام از «ایده اقلیمی خانه‌های سنتی ایران» جهت «تطابق اقلیمی» به سبب تغییر موقعیت نسبت به خورشید	پیش	معماری ایرانی
	به کار بردن «طرح مکعب گردان» به منظور ایجاد نوعی معماری غیرقطعی	نماهای متغیر	اعطاف پذیر	اعطاف پذیر

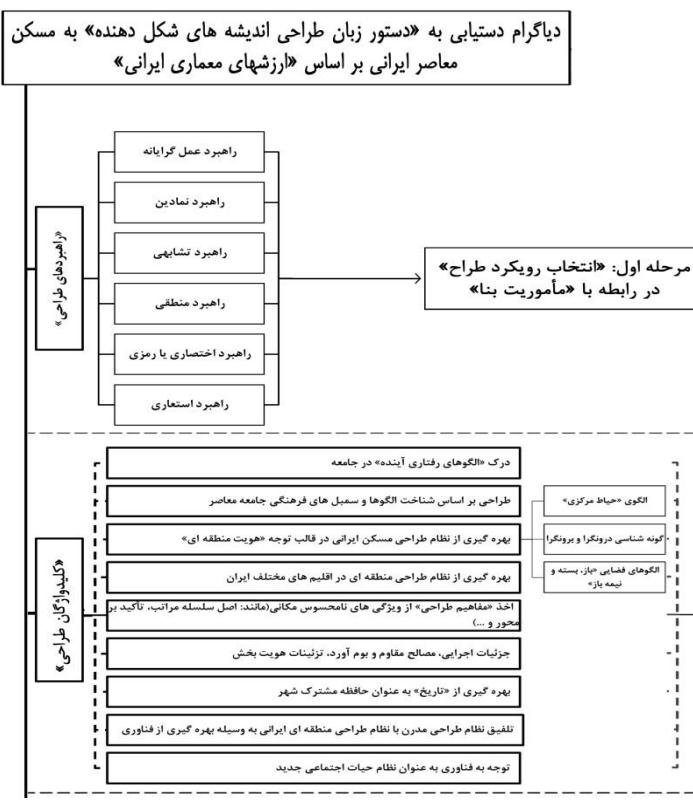
مأخذ تصاویر(www.caoi.ir)

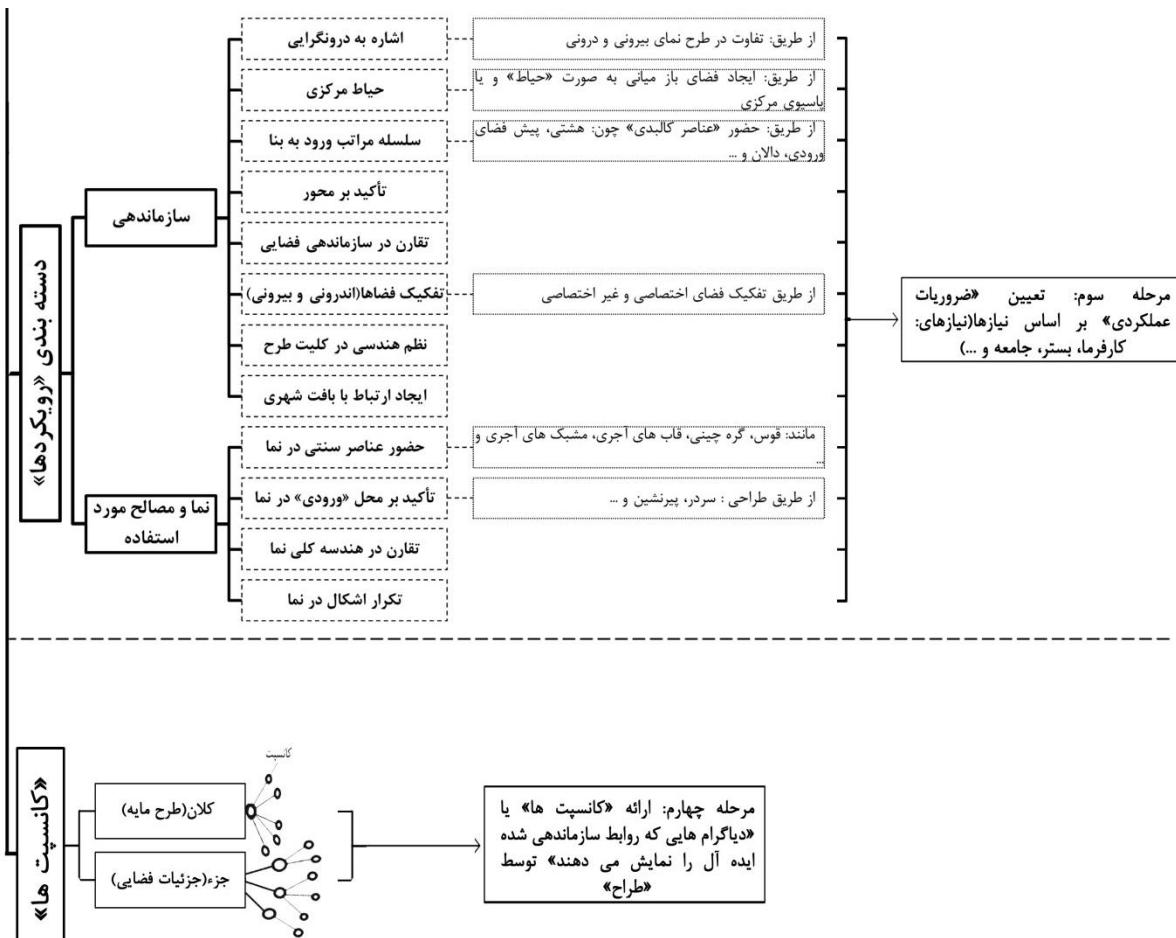
جدول ۱۱- تحلیل «ویلای درویش‌آباد» به وسیله الگوی تحلیلی «فرآیندمبنا»

تصاویر	کانسپت	ضروریات عملکردی	اهداف	مأموریت بنا
	پنج اصل لوکرپوزیه: الف) ستون‌ها، ساختمانها را از روی زمین بلند می‌کنند. ب) بام مسطح و باغ روی بام. ج) پلان آزاد (د) پنجره‌های طویل و سرتاسری (ه) نمای آزاد، کف‌ها و دیوارها به صورت کنسول	الهام از اصول معماری مدرن	هدف: مدرن	طرایی خانه‌ای بر اساس «پیونده دادن معماری ایرانی و آزادی مدرنیسم»
	پرهیز از قطعیت یافتن تفکر «معماری منطقه‌ای» یا «معماری فضایی معماري ایرانی(منطقه‌ای) مدرن»	هدف: معاصر مدرن	هدف: معاصر مدرن	
	پرداخت «فضای مرکزی» و بازی «نور وسایه» الهام از ایده «گشايش فضایی» در معماری ایرانی	هدف: ایرانی		

مأخذ تصاویر(www.caoi.ir)

دیاگرام ۱- دیاگرام دستیابی به «دستور زبان طراحی اندیشه‌های شکل دهنده» به مسکن معاصر ایرانی





نتیجه‌گیری

در این پژوهش، تلاش گشت تا بر اساس الگوهای نقد و تحلیل معماری معاصر ایران، از طریق «تحلیل فرآیندمبنا» که با استفاده از الگوی دورک بدست آمده، نمونه‌های معماری معاصر در حوزه مسکونی بررسی شوند تا بتوانیم از طریق این گونه تحلیلی، با «فرآیند شکل‌گیری آثار معاصر» آشنا شده و درک عمیق‌تری از تجربه‌های صورت گرفته بدست آید. به عبارت دیگر طی این فرآیند به ما کمک می‌کند تا معنای جمله‌ی «طراحی بر مبنای یافتن یک گره شروع می‌شود» را دریابیم که طرح را بر اساس چه عاملی پایه‌گذاری کنیم.

در نمونه‌های موفق، توجه یکسانی به «مفاهیم، عناصر و الگوهای فضایی» نظام معماری مسکن ایرانی شده است. این پژوهش‌ها، نشان از شکل‌گیری نگرشی تازه به معماری ایرانی دارند. در این نگرش، با استفاده از نقد و تحلیل معماری مدرن و معماری سنتی، پیوندهای فضایی به وجود می‌آورند که به ساختارهای فرهنگی و اجتماعی جامعه معاصر اتصال دارد. به این ترتیب، معماری صورت گرفته، گونه‌ای از معماری انتقادی بر ساخته از نظام تعاملی میان سه عامل رجوع به «تاریخ» به عنوان حافظه مشترک در معماری، الگوی فعالیت و نیازهای زیستی انسان معاصر و مجموعه‌ای از اشیاء و عناصر در قالب «نشانه‌ها» به عنوان مؤلفه رمزگذاری شده توسط طراح است. فرآیند طراحی این پژوهش‌ها، نشان از تعامل معمار و بستر طراحی دارد؛ در واقع معمار قادر بوده تا ویژگی‌های هویتی یک مکان را دریابد و آن را، بخشی از فرآیند طراحی خود قرار دهد.

فهرست منابع

- اتو، و. (۱۳۸۸). معماری و اندیشه نقادانه. ترجمه: امینه انجمن شاعر، فرهنگستان هنر، تهران.
- انصاری، ح.، و معظمی، م. (۱۳۸۴). آفرینش اثر معماری: بنیان‌ها و سویه‌ها. فصلنامه علمی-پژوهشی هنرهای زیبا، ۲۱، صص ۴۵-۵۶.

- بانی مسعودا، (۱۳۸۹). معماری معاصر ایران: در تکاپوی بین سنت و مدرنیته. نشر هنر معماری قرن، تهران.
- حاجی جعفری بیدگلی، ش. (۱۳۹۲). تأملی در اصول معماری ایرانی: سه نظرگاه معاصر. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته مطالعات معماری ایران، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهری بهشتی.
- حسینی، ا، و گرامی زاده، ا. (۱۳۸۹). رتبه دوم: خانه بیدآباد، اصفهان. نشریه معمار، ۶۴، صص ۱۴-۱۷.
- دانشگر مقدم، گ. (۱۳۸۸). فهم مسئله طراحی در آموزش معماری؛ بررسی مؤلفه مؤثر بر فهم کافی از مسئله طراحی به عنوان آغازگاهی برای طراحان مبتدی. فصلنامه علمی-پژوهشی هنرهای زیبا، سال یازدهم، ۳۷، صص ۵۹-۶۸.
- دورک، د. پ. (۱۳۸۹). برنامه‌دهی معماری: مدیریت اطلاعات برای طراحی. ترجمه: سیدامیر محمودی، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- راهب، غ. (۱۳۹۵). بررسی فرآیند تغییرات رابطه عرصه و اعیان در ساختمان‌های مسکونی شهر تهران در دوران معاصر. مجموعه مقالات شانزدهمین همایش سیاست‌های توسعه مسکن در ایران.
- زیرک، ب. (۱۳۹۶). خانه کوهبر. دو ماهنامه معمار، ۱۰۷، صص ۲۲-۳۳.
- شصتی، ش، و فلامکی، م، و جواهري پور، م. (۱۳۹۶). معماری مسکونی امروز شهر تهران و پرولماتیک فرهنگ از منظری جامعه‌شناسی. فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، دوره نهم، ۲، صص ۸۵-۱۰۶.
- عباسی، م. (۱۳۹۲). پژوهشی در باب ارتقای اعتبار علمی نقدهای معماری تکنیکی برای استخراج معنای جامع اثر معماری. فصلنامه علمی-پژوهشی باغ نظر، سال دهم، ۲۴، صص ۶۹-۷۸.
- عزیزی، ش، و واعظی، م، و موسوی، ح. (۱۳۹۷). ارائه نگرشی نوین در طراحی معماری با رویکرد معناشناصی امبرتو اکو. فصلنامه علمی-پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال دهم، ۴، صص ۲۵۱-۲۶۵.
- فاضلی، ن. (۱۳۹۲). فرهنگ و شهر، چرخش فرهنگی در گفتمان‌های شهری. انتشارات تیسا، تهران.
- فدوی انبیائی، ب. (۱۳۹۴). جزو درس برنامه‌ریزی کالبدی معماری. دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر.
- لوفور، ه. (۱۳۷۹). سطوح واقعیت و تحلیل پدیده‌های شهری. ترجمه: زهرا تشکر، فصلنامه علمی-پژوهشی مدیریت شهری، ۱، صص ۴۰-۴۵.
- ملاصدرا. (۱۳۷۹). اسفار اربعه. جلد ۸، انتشارات الحیدریه، تهران.
- مهدوی نژاد، م. (۱۳۸۳). حکمت معماری اسلامی: جستجو در ژرف‌ساختهای معنوی معماری اسلامی. فصلنامه علمی-پژوهشی هنرهای زیبا، ۱۹، صص ۵۷-۶۶.
- مهدوی نژاد، م. (۱۳۸۴). آموزش نقد معماری؛ تقویت خلاقیت دانشجویان با روش تحلیل همه‌جانبه آثار معماری. فصلنامه علمی-پژوهشی هنرهای زیبا، ۲۳، صص ۶۹-۷۶.
- مهدوی نژاد، م. (۱۳۹۶). گفتمان معماری سرآمد: الگویی برای نقد آثار معماری معاصر. فصلنامه علمی-پژوهشی هویت شهر، سال یازدهم، ۳، صص ۵۹-۶۸.
- میرسجادی، ا، و فرکیش، ه. (۱۳۹۵). ارزیابی الگوها و شناخت فاکتورهای کالبدی تأثیرگذار در معماری خانه‌های تاریخی نیشابور جهت دستیابی به راهکارهای طراحی و الگوی ساخت منازل در بافت مسکونی سنتی. فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش‌های معماری اسلامی، سال چهارم، ۱۳، صص ۷۲-۹۲.
- نیکیخت، م. (۱۳۹۵). پروژه برج مسکونی مهرآفرین. فصلنامه معماری و ساختمان، ۴۹، صص ۱۴۲-۱۴۵.
- Mirmoghtadaee, M. (2009). Process of Housing Transformation in Iran, Journal of Construction in Developing Countries, Vol. 14, No. 1.
- Moosavi, S. (2012). An Architectural Approach to Formation and Evolution of Residential Complexes in Iran, Journal of Basic and Applied Scientific Research. J. Basic. Appl. Sci. Res., 2(7)7046-7051.
- Shayesteh, H., and Steadman, P. (2013). The impacts of regulations and legislation on residential built forms in Tehran. The Journal of Space Syntax.
- www.caoi.ir/fa

پیوست

۱. فهرست بناهای مورد پژوهش، عبارتند از:

الف) برج‌ها: برج مسکونی مهرآفرین(محمد رضا نیکبخت)، برج مسکونی طائورس(دفتر معماری رازان)، منظر خانه(گروه معماری دات)، برج تهران(استودیو معماری کات)، برج مسکونی فرمانیه(فرشاد مهدی زاده و رها اشرفی و محسن مریزاد)، برج مسکونی - خدماتی الهیه(حمدی میرمیران)

ب) مجموعه‌های مسکونی: ساختمان تنديس(یوسف شريع‌زاده)، ساختمان آفریقا(کوهبر) (مهدی علیزاده)، هیبتات تهران(موشه سفدي)، مجموعه مسکونی فشم(مهندسان مشاور طرح و آمايش)، مجتمع مسکونی نگین جلفا(علی اکبر صارمی)، مجموعه مسکونی هوشمند(مهوش عالمی)، مجموعه مسکونی شوستر نو(کامران دیبا)، مجتمع مسکونی آپارتمانی ایل گلی(سیدهادی میرمیران)، محله مسکونی A2 پولادشهر(سیدهادی میرمیران)، مجموعه مسکونی الهیه(بهروز بیات)، مجتمع مسکونی ویلا شهر(محمد مجیدی)، مجتمع مسکونی باغ مهر(محمد مجیدی)، مجتمع مسکونی کاشانک(آرش مظفری)، مجتمع مسکونی ایوان(محمد مجیدی)

ج) آپارتمان میان مرتبه(شهری): ساختمان شفق(یوسف شريع‌زاده)، ساختمان یاسمن(مهدی علیزاده)، ساختمان کامرانیه(فرامرز شریفی)، ساختمان گلنار(بیهی فیوضی)، ساختمان ارسی خانه(نیما و سینا کیوانی)، خانه شریفی‌ها(علیرضا تقابنی)، ساختمان بیدآباد(الهام گرامی‌زاده و احسان حسینی)، ساختمان بهاران(محمد رضا نیکبخت)، ساختمان پیرایش(فریار جواهريان)، خانه افشار(علی اکبر صارمی)، ساختمان نگاران(محمد رضا نیکبخت)، ساختمان مسکونی کاشانی(فیروز فیروز)، خانه مقصودیک(فریار جواهريان)، خانه دریاندری(ایرج کلانتری)، خانه دولت آبادی(هوشنگ سیحون)، خانه دزاشیب (مهندسين مشاور نقش)، ساختمان مسکونی نفر(هادی نديمي)، خانه عظیمي(بهستان) (کامران افشار نادری)، حیاط آپارتمان شماره ۹(محمد مجیدی)

د) ویلا(ساختمان ویلایی داخل شهری و برون شهری): ویلا درویش آباد(پویا خزادی)، خانه بزرگمهر(هانیه علیزاده و محمود گنجی)، خانه کاشان(سپیده مسعودی نژاد)، ویلا نمازی(جو پونتی)